

جزء از کل

استیو تولتز
عبدالمجید جعفری سرای

سرشناسه: تولتز، استیو، ۱۹۷۲م. Toltz, Steve
عنوان و نام پدیدآور: جزء از کل / نویسنده: استیو تولتز، مترجم: عبدالمجید جعفری سرای.
مشخصات نشر: قم، بیلاق سبز، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۷۱۲ ص.

شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۶۸-۷۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: A Fraction of the Whole

موضوع: داستان های استرالیایی - - قرن ۲۱ م.

شناسه افزوده: جعفری سرای، عبدالمجید، مترجم.

رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۸، ج ۴ ت ۹ / ۴ / ۹۶۱۹ PR

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۸۵۲۵

انتشارات بیلاق سبز

چیز از کی

نویسنده: استیو تولتز

مترجم: عبدالمجید جعفری سرای

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

چاپ: احسان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه





مقدمه

استیو تولتز (به انگلیسی: Steve Toltz) زاده ۱۹۷۲ در سیدنی، رمان‌نویس استرالیایی و نویسنده رمان‌های «جزء از کل» و «ریگ روان» است. تولتز متولد سیدنی است و در سواحل شمالی آرام سیدنی بزرگ شده است. پدر و مادرش در زمینه حقوق خانواده و حقوق تجارت فعالیت داشته‌اند. استیو تولتز در کشورهای گوناگونی زندگی کرده است از جمله کانادا، آمریکا، اسپانیا و فرانسه. از اینرو او ذاتاً بی‌قرار است و مکان زندگی‌اش را مدام تغییر می‌دهد. در حال حاضر به همراه همسر و پسر کوچکش در بروکلین زندگی می‌کند. پدر بزرگ و مادر بزرگ‌های او از کشورهای لتونی، لهستان، فلسطین و نیوزلند بوده‌اند! او در پاسخ به این سوال که آیا شوخ‌طبعی و حساسیت یهودی‌ها را به ارث برده است می‌گوید که بیشتر به میراث فرهنگ اعتقاد دارد تا میراث خانوادگی. او آثار وودی آلن، فیلیپ راث و سال بلورا مطالعه کرده است و به عقیده‌ی تولتز این نویسندگان بیشتر از اجدادش بر او تأثیرگذار بوده‌اند.

تولتز نخستین رمانش جزء از کل (به انگلیسی: A fraction of the whole) را در سال ۲۰۰۸ منتشر کرد که با استقبال زیادی روبه‌رو شد و همان سال نامزد جایزه بوکر شد که کمتر برای نویسنده‌ای که کار اولش را نوشته پیش می‌آید در همان سال نام وی در میان نامزدهای جایزه کتاب اولی‌های گاردین عنوان شد. جزء از کل با استقبال عمومی زیادی در سراسر جهان روبه‌رو شد و این موضوع سبب شد که همگان استیو تولتز را نویسنده‌ی جوان با استعدادی بدانند که از این پس باید در



انتظار چاپ کتاب‌های بعدی‌اش بنشینند... جز از کل با وجود مدت زمان کوتاهی که از چاپش گذشته، اکنون به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های تاریخ استرالیا مطرح است. این رمان تم فلسفی دارد و در بخش‌هایی درگیر ماجراهای پلیسی هم می‌شود، به شدت پرشاخ و برگ است و البته بسیار فلسفی و پراز اتفاق‌ها و داستان‌های تازه در صفحاتش.

رمان اول او که همین رمان جزء از کل است، در سال ۲۰۰۸ و تحت عنوان A fraction of the whole منتشر شده و رمان دوم، Quicksand ریگ روان نام دارد که در سال ۲۰۱۵ به بازار ارائه شده است.

با وجودی که استیو تولتز هیچ سابقه مشخص دیگری در حوزه نگارش و ادبیات و فضای رسانه‌ای ندارد، ظاهراً همین دو کتاب (و در واقع همان کتاب اول) برای اینکه نام او در فهرست نویسندگان مطرح قرار بگیرد کافی بوده و برخی منتقدان، کتابش را یک اثر کلاسیک مدرن نامیده‌اند.

اگر از معدود نقدهای منفی که بر اصل کتاب او وجود دارد بگذریم (مثل نقد نیویورک تایمز)، عمده‌ی منتقدان کتاب را مثبت ارزیابی کرده‌اند و بسیاری از نشریات مطرح دنیا، آن را به عنوان یک اثر ادبی ارزشمند مورد توجه قرار داده‌اند. برخی نقدها، پاراگراف آغازین کتاب را یکی از بهترین آغازهای ادبی دوران معاصر می‌دانند. اگر هم این عنوان را کمی اغراق بدانیم، همچنان نمی‌توانیم زیبایی نخستین سطرهای کتاب را انکار کنیم.

برای دوستانی که به تمرین نوشتن و پرورش تسلط کلامی علاقمند هستند، احتمالاً کتاب را زیبا و الهام‌بخش خواهند یافت.

راوی این رمان یک پدر و پسر هستند. در واقع رمان شرح روایتی از یک رابطه‌ی پدر و پسر است. رمان تم فلسفی جذابی دارد و در عین حال سرشار از نقاط عطفی است که در داستان‌های پلیسی شاهد آن هستیم. «جزء از کل» شهرت زیادی را برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد. نویسنده‌ای اهل استرالیا که در زندگی شخصیش هم به مانند بسیاری از شخصیت‌های رمان‌هایش بی‌قرار و پرمشغله است.

لهستان، لتونی، نیوزلند و فلسطین، ملیت دو پدر بزرگ و مادر بزرگ او را تشکیل می‌دهند. خود او نیز به مانند ریشه‌های ژنتیکی‌اش نویسنده‌ای جهان وطن است.



تولتز، تاکنون در بسیاری از کشورهای دنیا زندگی کرده و به گفته‌ی خودش این روش زندگی در شناخت بیشتر آدم‌های جهان به او کمک زیادی کرده است. شخصیت‌های رمانش نیز همه به نوعی تاثیر گرفته از آدم‌هایی هستند که او در جاهای مختلف با آن‌ها ملاقات داشته است. شخصیت‌پردازی در رمان‌های او یکی از نقاط قوتش محسوب می‌شود.

او در قسمتی از کتاب «جزء از کل» می‌نویسد: «مردم همیشه می‌گن شخصیت آدم‌ها تغییرناپذیره، اما اغلب این ظاهر افراده که بدون تغییر باقی می‌مونه نه خود شخص. و زیراون نقاب تغییرناپذیر، موجودی هست که دیوانه‌وار در حال تکامله و دائم به‌طور غیرقابل‌کنترلی، تغییر می‌کنه.» تولتز در مصاحبه‌ای در مورد شخصیت‌های رمان‌هایش می‌گوید: «امیدوارم آنچه را که می‌خواهم در مورد هستی به بشریت انتقال دهم، در خلال شخصیت‌هایم بیان کنم.»

استیو تولتز همچنین می‌گوید مردم گریزی که اغلب شخصیت‌های داستان‌های او از خود نشان می‌دهند در واقع بخش تاریکی از شخصیت خود اوست. او این ویژگی را در اندازه‌ای اغراق شده برای مقاصد داستانی‌اش استفاده می‌کند و همچنین سایر شخصیت‌ها در واقع شبهی الهام‌گرفته از انسان‌های واقعی هستند و این در حالی است که هیچ‌یک از آنها خودشان را در آن نقش‌ها شناسایی نمی‌کنند.

در سال ۲۰۰۴ استیو تولتز حین قدم زدن در خیابان‌های پاریس دچار خونریزی ناگهانی ستون فقرات شد و در پی آن توانایی حرکت را از دست داد و فلج شد. تیم پزشکی در ابتدا علت این عارضه را تشخیص نمی‌دادند و نمی‌دانستند که عدم توانایی حرکت دائم خواهد بود یا بهبود می‌یابد. پس از مدتی که در بیمارستان تحت نظر بود پزشکان به او گفتند که این موضوع می‌تواند مشکلی باشد و اوبه‌طور مادرزادی داشته و اکنون نمود پیدا کرده است. بازیابی قدرت حرکت بدون نیاز به کمک از او مدتی زمان گرفت و پس از بهبود تولتز با خود عهد بست که زمانی در مورد شخصیتی می‌نویسد که دست کم مدتی را روی ویلچر گذرانده باشد. تأثیرات روانی این اتفاق در صفحه صفحه کتاب جدید او، شن روان قابل لمس است.

شن روان که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است همانند جزء از کل، بهره‌گرفته از زمینه‌های فلسفه‌ای در دل داستان‌های اجتماعی است.